

بررسی اثربخشی دروس تربیتی در کارآیی شغلی

فارغ التحصیلان رشته های دبیری

سالهای ۱۳۶۶-۱۳۷۰ دانشگاه سیستان و بلوچستان

ولی مهدی نژاد

عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده:

بطور کلی هر نظام آموزشی برای اینکه به میزان اثربخشی برنامه های آموزشی خود پی ببرد، نیاز به ارزشیابی برنامه ها و باز خورد نتایج این ارزشیابی جهت تغییر، اصلاح و بهبود برنامه های خود دارد. بدون داشتن اطلاعات معتبر در مورد اثربخشی برنامه های آموزشی در گذشته و حال برنامه ریزیهای آموزشی و درسی مناسب برای فارغ التحصیلان آینده مشکل خواهد بود. در این راستا هدف از این تحقیق مطالعه و پیگیری (Follow-up Study) به منظور بررسی نظریات فارغ التحصیلان رشته های دبیری در مورد اهمیت دروس تربیتی در امر تدریس، میزان اثربخشی این دروس در آماده سازی فارغ التحصیلان رشته های دبیری برای شغل دبیری و تدریس و نهایتاً ارزیابی یا میزان رضایت فارغ التحصیلان از نحوه ارائه دروس تربیتی در دانشگاه سیستان و بلوچستان بود. هدف از این تحقیق بررسی نظریات فارغ التحصیلان رشته های دبیری در بدین منظور تعداد ۲۴۰ نفر از فارغ التحصیلان رشته های دبیری ۱۳۶۶-۱۳۷۰ دانشگاه سیستان و بلوچستان به صورت نمونه گیری طبقه ای متناسب حجم و تصادفی ساده انتخاب و برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه مکاتبه ای که به همین منظور تهیه شده بود استفاده گردید در آزمون فرضیه های تحقیق از روشهای توصیفی (فراوانی درصدی، محاسبه میانگین و انحراف

معیار) و استنباطی «کای اسکوایر» یک متغیری و دو متغیری استفاده شد.

تحلیل داده ها نشان می دهد که فارغ التحصیلان رشته های دبیری دروس تربیتی را در سطح مهم و میزان اثربخشی این دروس را در سطح نسبتاً مؤثر و نحوه ارائه دروس تربیتی را در سطح نسبتاً خوب توصیف کرده اند.

در ارتباط با متغیرهای تعدیل کننده (تفاوت بین سالهای فارغ التحصیلی ، دانشکده ها و جنسیت) بین گروهها تفاوت معنی داری مشاهده نگردید .

برای افزایش اثربخشی دروس تربیتی پیشنهاد می شود :

- مدرسان دانشکده های تربیت دبیر ، آمادگی علمی و تخصصی بیشتری برای تدریس داشته باشند و لازم است ضمن آگاهی وسیع از محتوای درسی و متدهای مختلف تدریس ، علی الخصوص متدهای جدید تدریس ، با توجه به مبانی علوم تربیتی به تدریس اشتغال ورزند .

- مدت زمان اختصاص داده شده برای آموزش عملی افزایش یابد .

- برای افزایش اثربخشی دروس تربیتی لازم است از وسایل و امکانات سمعی و بصری و نوارهای آموزشی ویدئویی استفاده شود .

- ارتباط متقابل و نزدیک بین ادارات آموزش و پرورش و دانشکده های تربیت دبیر برقرار گردد و برنامه های آموزشی و درسی تربیت دبیر هماهنگ با برنامه های درسی و آموزشی مدارس شود .

- ارتباط با فارغ التحصیلان رشته های دبیری به منظور رفع اشکالات و آگاه کردن آنها با آخرین یافته ها در زمینه فرایند تدریس و یادگیری ارتباط برقرار شود .

- لازم است ، دروس تربیتی جایگاه واقعی خود را در کنار دروس تخصصی دانشجویان رشته های دبیری پیدا کند .

مقدمه :

می گویند معلمی هنر است، ولی هنر برتر از آن «تربیت معلم» است. چنانچه تعلیم دمی و آموزش مهارتهای تدریس در دانشکده ها و مراکز تربیت معلم بر پایه ای گذاشته شود که معلمان همواره درگیر عمل و تجربه شوند و با حرفه ای که پیشه کرده اند انس و الفت بیشتری بگیرند. به لیاقتهای فردی خود پی بوند و آنها را بارور سازند. درگیری مستقیم با شیوه های کار ، آنها را به سویی می کشاند که

از خود مایه بگذرانند و با خلاقیت‌هایی که بروز می دهند ، به کشف شیوه های برتر بپردازند.

تربیت حرفه ای معلمان از شناخت خود ، شناخت حرفه و شناخت مخاطبان آغاز می شود و به شیوه های برقراری ارتباط با دانش آموزان راه می یابد و تا خودآموزی ، خودناظری ، خودابزاری ، جستجوگری ، پیش خواهی ، پیش نگری ، جرأت تغییر در خود و دهها موضوع اساسی دیگر کشانده می شود. برای دست یافتن به چنین آمادگیهایی ، پس از دستیابی به اصول آموزشی و کسب مفاهیم نظری ، تدریس عملی و درگیر شدن عملی با جریان آموزش از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، به همین دلیل برنامه آموزشی دانشجو معلمان بر تدریس عملی و راه و روش آن تأکید دارد. (۱)

بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیقاتی که تاکنون انجام شده ، یک معلم زمانی اثربخش و مؤثر و موفق است که مهارت‌های مربوط به تدریس را دارا بوده و این مهارت‌ها را برای تغییر رفتار و پرورش استعدادها و شکوفایی همه جانبه دانش آموزان به کارگیرد . محیط آموزشی و از جمله معلمان ما به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام آموزشی نه تنها ایده آل نیستند بلکه تا رسیدن به حد مطلوب و اثربخش راهی بس طولانی در پیش رو دارند . اگر قبول کنیم که بدون معلم کارا و وسایل و تجهیزات آموزشی مناسب ، رشد تفکر دانش آموزان امکان پذیر نیست ، بایستی نداشتن معلم خوب ، مؤثر و امکانات آموزشی مناسب را جزء نقایص مهم آموزشی تلقی نمود . بنابراین لازمه موفقیت در امر آموزش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ، داشتن معلم کارا ، امکانات آموزشی مناسب و ... است که اقدامات مؤثر در تأمین آنها ضروری به نظر می رسد .

ضرورت انطباق قابلیت‌های تجربی و تحصیلی دانشجویان تربیت دبیر با نیازهای در حال تحول ، ایجاد یک دگرگونی اساسی و واقع بینانه در فلسفه ، ساخت ، محتوا و روشهای تدریس در کلیه سطوح تحصیلی را الزامی شناخته است و شکی نیست که عامل اجرای چنین دگرگونی در کل نظام آموزشی کشور تربیت دبیران شایسته و آگاه به فنون تعلیم و تربیت است .

در این راستا هدف از این تحقیق بررسی نظریات فارغ التحصیلان رشته های دبیری شاغل در مقطع متوسطه در مورد اهمیت دروس تربیتی ، اثربخشی دروس تربیتی در آمادگی فارغ التحصیلان رشته های دبیری برای شغل دبیری و تدریس و نهایتاً میزان رضایت فارغ التحصیلان رشته های دبیری از آموزشهای که در این ارتباط دیده اند و یا به عبارت دیگر ارزیابی فارغ التحصیلان رشته های دبیری از نحوه ارائه دروس تربیتی در دانشگاهی که تحصیل می کردند ، می باشد .

تحقیقات پیشین

دوال^(۳) (۱۹۷۷) «مطالعه‌ای پی‌گیر»^(۴) در مورد فارغ التحصیلان دانشگاه «ساوت بند» هند بین سالهای ۱۹۶۷-۱۹۷۲ انجام داد که هدفش کسب اطلاعاتی در مورد میزان رضایت فارغ التحصیلان از برنامه های آموزشی دانشگاه بود، نتیجه این تحقیق نشانگر رضایت اکثر پاسخ دهندگان از برنامه های تربیتی در طول مدت تحصیل بود.

دولف^(۵) (۱۹۸۰) تحقیقی را در مورد رضایت از برنامه های آموزشی با توجه به متغیرهایی چون، مدرک و جنسیت و رشته تحصیلی در دانشگاه واشینگتن بین سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ انجام داد. وی تفاوت معنی داری را بین رضایت از برنامه های آموزشی و مدرک و رشته تحصیلی مشاهده کرد.

ارزشیابی از برنامه های آموزشی توسط دراموند^(۶) (۱۹۷۶) در مطالعه پی‌گیر در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه مین صورت گرفت و نتایج زیر از این تحقیق گزارش شده است:

۱- درس تمرین دبیری به عنوان مهمترین و ارزشمندترین درس در مرتبه اول با ۸ امتیاز و درس روشها و فنون تدریس با ۶-۵ امتیاز که بر اساس یک مقیاس ۹ نمره‌ای امتیاز بندی شده بود، قرار گرفتند.

۲- افزایش مدت زمان درس تمرین دبیری برای کسب تجربه در موقعیتهای کلاسی واقعی و ایجاد رشته های با متدولوژیهای درست از پیشنهاداتی بودند که برای ایجاد تغییر در برنامه های تربیتی ارائه شد.

ماهش و ساکسنا^(۷) (۱۹۸۳) تحقیقی در مورد اثربخشی برنامه های تدریس عملی در رابطه با کیفیت تدریس و گرایشات دانشجویان تربیت معلم «لانک ناو» هندوستان انجام می دادند. نتایج تحقیق نشانگر تأثیر مهم تجربیات تدریس عملی بر روی

تغییرات مثبت در گرایش‌های معلمان و در اثربخشی آنان در کلاس درس بود. بررسی نظرات فارغ التحصیلان در مورد کیفیت برنامه‌های درسی، دلیلی بود که بتیس^(۸) (۱۹۷۷) بر اساس آن مطالعه‌ای پی‌گیر در دانشگاه ایالتی نگزاس غرب انجام داد. در کل او دریافت که ۴۷/۷ درصد از ۳۳۰ نفر پاسخ دهنده به سؤالات مربوط به دروس تربیتی و کیفیت ارائه آنها نمره مثبت یا مؤثر داده‌اند و ۵۲/۳ درصد از آنها ابراز داشتند که دروس تربیتی اصلاً در آماده کردن آنها برای شغلشان مؤثر نبوده است. وی هیچگونه اختلاف معنی داری بین توزیع پاسخهای ارائه شده توسط افراد بر حسب سن، وضعیت تأهل، طبقه شغلی و جنسیت مشاهده نکرد.

آیزز^(۹) (۱۹۷۵) تحقیقی در مورد فارغ التحصیلان دانشگاه صنعتی تنسی، دانشگاه تنسی و دانشگاه کوک ویل انجام داد. هدف او از این تحقیق، تهیه و اجرای الگویی برای ارزشیابی از برنامه‌های تربیت معلم بود. در تحقیق دیگری در مورد سری‌های ارزشیابی برنامه‌های تربیت معلم، آیزز اشاره می‌کند که این بررسی در فراهم نمودن دروندادهایی برای کل نظام تربیت معلم مفید خواهد بود. او از تکنیکهای مشاهده‌ای برای تدوین سه وسیله ارزشیابی برای استفاده در ارزشیابی فارغ التحصیلان بهره گرفت. نتایج نشان داد که فارغ التحصیلان دارای بسیاری از خصوصیات یک معلم خوب و کارا هستند.

نتایج تحقیق

روش مطالعه در این بررسی، «مطالعه پی‌گیری» بود و از شیوه‌های نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم و تصادفی ساده استفاده گردید. ۲۰ درصد (۲۴۰ نفر) از جامعه آماری (۱۲۰۱ نفر) به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند که ۱۶۱ نفر از آنها فارغ التحصیلان رشته‌های دبیری از دانشکده ادبیات و ۷۹ نفر از دانشکده علوم پایه

بودند که از این تعداد ۱۹۲ پرسشنامه عودت گردید. املعه تالشویه، همیشه تالیف
برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه مکاتبه ای استفاده گردید. پرسشنامه شامل
۳۰ بسته پاسخ و یک سؤال باز پاسخ بود و همچنین سؤالاتی در ارتباط با جنس، سن،
وضعیت تاهل، سال فارغ التحصیلی و سابق کار در ابتدای پرسشنامه طرح شده بود.
شیوه تجزیه و تحلیل آماری، توصیفی و استنباطی همچون فراوانیهای درصدی،
میانگین، انحراف معیار و کای اسکوار یک متغیری و دو متغیری بود.

بحث نتایج فرضیه ها

فرضیه اول: تفاوت معنی داری بین نظریات فارغ التحصیلان رشته های دبیری
در ارتباط با ادراک آنها از اهمیت دروس تربیتی در امر تدریس وجود ندارد.

جدول (۱) بررسی معنی داری پاسخهای ابراز شده در فرضیه اول

گزینه	فراوانی	درصد
خیلی بی اهمیت	۱۴	۷/۳
بی اهمیت	۱۴	۷/۳
متوسط	۲۳	۱۲
مهم	۷۷	۴۰/۱
خیلی مهم	۶۴	۳۳/۳
کل	۱۹۲	۱۰۰

$$X = ۳/۸۴۹, S = ۱/۷۷$$

$$CHI-SQUARE = ۹۲/۴۵۲, D.F. = ۲, L.S. = P < ۰/۰۰۱$$

L.S.	D.F.	X	N	فرضیه‌ها/محاسبات
$P > 0/05$	۱۶	۵/۰۱۳	۱۹۲	متغیرهای تعدیل کننده فرضیه اول تفاوت بین فارغ التحصیلان سالهای ۶۶-۷۰
$P > 0/05$	۲	۲/۶۸۵	۱۹۲	تفاوت بین دانشکده ها (ادبیات و علوم پایه)
$P > 0/05$	۲	۱/۳۱۴	۱۹۲	تفاوت بین زن و مرد

بر اساس نتایج جدول (۱) $73/4$ درصد از پاسخگویان دروس تربیتی را در سطح مهم و خیلی مهم توصیف کرده اند و 12 درصد آن را متوسط و $14/6$ درصد آن را بی اهمیت و خیلی بی اهمیت دانسته اند. میانگین پاسخهای فارغ التحصیلان رشته های دبیری در این فرضیه با انحراف معیار $1/177$ ، نمره $3/849$ می باشد که در سطح مهم قرار دارد. بنابراین از دیدگاه فارغ التحصیلان رشته های دبیری، درس تمرین دبیری در امر تدریس دارای اهمیت می باشد. χ^2 محاسبه شده برابر $92/452$ می باشد که از مقدار بحرانی جدول ($18/5$) با احتمال $0/999$ و درجه آزادی 4 ، بزرگتر می باشد و نشان می دهد که تفاوت مشاهده شده بین فراوانی پاسخها به لحاظ آماری معنی دار بوده و نمی تواند ناشی از شانس و تصادف باشد، پس فرضیه صفر رد شده و فرضیه مقابل پذیرفته می شود. در ارتباط با متغیرهای تعدیل کننده، تفاوت معنی داری بین گروهها مشاهده نشد و تمام گروههای دروس تربیتی را مهم دانسته اند. در این رابطه مهارتهایی همچون، شروع دلچسب و رغبت انگیز کلاس درس، بیان ساده و قابل فهم درس، مهارت در پرسش، استفاده از وسایل کمک آموزشی، مهارت در تشویق و تنبیه و ترغیب کننده

کلاس ، مهارت در توجه به تمامی دانش آموزان ، مهارت در توجه به تفاوت‌های فردی ، مهارت در ارزشیابی ، مهارت در استفاده از شیوه های مختلف تدریس ، ایجاد ارتباط مؤثر بین معلم و دانش آموزان ، مهارت در تهیه طرح درس و استفاده از اهداف رفتاری و آموزشی در تدریس ، مهارت در ایجاد انگیزه در دانش آموزان و تفکر انتقادی در آنها و جمع بندی و نتیجه گیری ، از دیدگاه پاسخگویان مهمتر از بقیه موارد ذکر شده بود . بنابراین لازم است که در برنامه ریزیهای آموزشی و درسی در ارتباط با دروس تربیتی به موارد فوق الذکر عنایت بیشتری بشود .

فرضیه دوم:

« تفاوت معنی داری بین نظریات فارغ التحصیلان رشته های دبیری و ارتباط با ادراک آنها از اثربخشی دروس تربیتی در امر تدریس وجود ندارد.»

جدول (۲) بررسی معنی داری پاسخهای ابراز شده در فرضیه دوم

گزینه	فراوانی	درصد
خیلی بی تاثیر	۱۱	۵/۷
بی تاثیر	۲۵	۱۳
متوسط	۴۰	۲۰/۸
مؤثر	۸۳	۴۳/۳
خیلی مؤثر	۳۳	۱۷/۲
کل	۱۹۲	۱۰۰

$$X = ۳/۵۳۱ ، S = ۱/۰۹۷$$

$$CHI-SQUARE = ۷۶/۸۵۴ ، D.F. = ۴ ، L.S. = P < ۰/۰۰۱$$

L.S.	D.F.	X^2	N	فرضیه ها / محاسبات (۳)
$P > 0/05$	۱۶	۸/۲۴۵	۱۹۲	متغیرهای تعدیل کننده فرضیه اول تفاوت بین فارغ التحصیلان سالهای ۶۶-۷۰
$P > 0/05$	۴	۱/۹۵۸	۱۹۲	تفاوت بین دانشکده ها (ادبیات و علوم پایه)
$P > 0/05$	۴	۰/۷۷۸	۱۹۲	تفاوت بین زن و مرد

بر اساس نتایج جدول (۲) ۶۰/۵ درصد از پاسخگویان دروس تربیتی را در آمادگی برای شغل دبیری و تدریس در سطح مؤثر و خیلی مؤثر توصیف کرده اند و ۲۰/۸ درصد آن را متوسط و ۱۸/۷ درصد مؤثر و خیلی بی تأثیر دانسته اند. میانگین پاسخها در این فرضیه با انحراف معیار ۱/۰۹۷، نمره ۳/۵۳۱ می باشد که در سطح نسبتاً مؤثر قرار دارد. بنابراین از دیدگاه فارغ التحصیلان رشته های دبیری، دروس تربیتی در آمادگی برای شغل دبیری و تدریسی نسبتاً مؤثر بوده است. X^2 محاسبه شده برابر با ۷۶/۸۵۴ می باشد که از مقدار بحرانی جدول (۱۸/۵) با احتمال ۰/۹۹۹ و درجه آزادی ۴، بزرگتر می باشد و نشان می دهد که تفاوت مشاهده شده بین فراوانی پاسخها به لحاظ آماری معنی دار بوده و نمی تواند ناشی از شانس و تصادف باشد، پس فرضیه صفر رد شده و فرضیه مقابل پذیرفته می شود. در ارتباط با متغیرهای تعدیل کننده تفاوت معنی داری در توزیع پاسخهای فارغ التحصیلان مشاهده نشد. سؤالی که مطرح می شود، این است که چرا این دروس در آمادگی برای شغل دبیری و تدریس نسبتاً مؤثر بوده است؟ بررسی فرضیه سوم به این سؤال پاسخ می دهد.

فرضیه سوم:

« تفاوت معنی داری بین نظریات فارغ التحصیلان رشته های دبیری در ارتباط با ارزیابی آنها از نحوه ارائه دروس تربیتی در دانشگاه وجود ندارد. »

جدول (۳) بررسی معنی داری پاسخهای ابراز شده در فرضیه سوم

گزینه	فراوانی	درصد
خیلی ضعیف	۱۵	۷/۸
ضعیف	۱۹	۹/۹
متوسط	۳۹	۲۰/۳
خوب	۸۵	۴۴/۳
عالی	۳۴	۱۷/۷
کل	۱۹۲	۱۰۰

$$X = ۳/۵۴۲, S = ۱/۲۹۵$$

$$CHI-SQUARE = ۸۱/۱۲۴, D.F. = ۴, L.S. = P < ۰/۰۰۰۱$$

L.S.	D.F.	X ²	N	فرضیه ها / محاسبات
P > ۰/۰۵	۱۶	۶/۷۹۶	۱۹۲	متغیرهای تعدیل کننده فرضیه اول تفاوت بین فارغ التحصیلان سالهای ۶۶-۷۰
P > ۰/۰۵	۴	۱/۸۸۶	۱۹۲	تفاوت بین دانشکده ها* (ادبیات و علوم پایه)
P > ۰/۰۵	۴	۲/۲۹۶	۱۹۲	تفاوت بین زن و مرد

بر اساس نتایج جدول (۳) ۱۷/۷ درصد از پاسخگویان نحوه ارائه دروس تربیتی را در سطح ضعیف و بسیار ضعیف توصیف کرده اند و ۲۰/۳ درصد آن را متوسط و ۶۲ درصد خوب و عالی دانسته اند. میانگین پاسخهای فارغ التحصیلان در این فرضیه با انحراف معیار ۱/۲۹۵، نمره ۳/۵۴۲ می باشد که در سطح نسبتاً خوب قرار دارد. بنابراین از دیدگاه فارغ التحصیلان رشته های دبیری، نحوه ارائه دروس تربیتی در دانشگاه محل تحصیل نسبتاً خوب بوده است.

χ^2 محاسبه شده برابر با ۸۱/۱۲۴ می باشد که از مقدار بحرانی جدول (۱۸/۵) با احتمال ۰/۹۹۹ و درجه آزادی ۴، بزرگتر می باشد و نشان می دهد که تفاوت مشاهده شده بین فراوانی پاسخها به لحاظ آماری معنی دار بوده و نمی تواند ناشی از شانس و تصادف باشد. پس فرضیه صفر رد شده و فرضیه مقابل پذیرفته می شود. در ارتباط متغیرهای تعدیل کننده تفاوت معنی داری بین گروهها مشاهده نگردید.

نتیجه گیری

در این قسمت با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهاداتی ارائه می گردد.

- ۱- با بررسی نظرات فارغ التحصیلان رشته های دبیری چنین استنباط می شود که مدرسان دانشکده های تربیت دبیر، لازم است آمادگی علمی و تخصصی بیشتری برای تدریس داشته باشند. یعنی ضمن آگاهی وسیع از محتوای درسی و متدهای مختلف تدریس، علی الخصوص متدهای جدید، با توجه به مبانی علوم تربیتی به تدریس اشتغال ورزند و در عین حال از تجارب تعلیمات آموزشی که در اثر تحقیق و بررسی در مدارس حاصل می شود، آگاه باشند، تا بتوانند کیفیت تدریس خود را تا حد دسترسی به درصد قابل توجهی از هدفهای تعیین شده، بالا ببرند.

- ۲- پیشنهاد می شود مدت زمان اختصاص داده شده برای آموزش عملی افزایش یابد.

- ۳- لازم است تجارب دوره آموزش عملی تدریس تا سرحد امکان شبیه به موقعیت تدریس واقعی باشد .
- ۴- برای کار آترکردن دروس تربیتی لازم است از وسایل سمعی و بصری و نوارهای آموزش ویدئویی استفاده شود .
- ۵- ارتباط متقابل و نزدیک بین ادارات آموزش و پرورش و دانشکده های تربیت دبیر قرار گردد .
- ۶- برنامه های آموزشی و درسی تربیت دبیر با برنامه های آموزشی و درسی مدارس هماهنگ شود .
- ۷- در این دروس شیوه های تدریس کتب دبیرستانی با توجه به رشته های مربوطه مورد توجه قرار گیرد .
- ۸- مدارس وابسته به دانشکده های تربیت دبیر تأسیس شود .
- ۹- از اساتید هر رشته تخصصی در تدریس و آموزش دروس عملی مثل درس تمرین دبیری مربوط به آن رشته استفاده و بهره گیری شود .
- ۱۰- برای برقراری ارتباط متقابل بین دانشکده های تربیت دبیر به منظور استفاده از تجارب طرفین در بهبود و یا اصلاح برنامه های خود زمینه ایجاد شود .
- ۱۱- مراکز خدمات آموزشی برای آشنا ساختن دبیران بعد از فارغ التحصیلی با آخرین یافته ها ، در زمینه فرآیند تدریس ، یاددهی - یادگیری ایجاد شود .
- ۱۲- سعی شود دروس تربیتی جایگاه واقعی خود را در کنار دروس تخصصی دانشجویان رشته های دبیری پیدا کند .

منابع و یادداشتها

- ۱- رؤوف ، علی ، تربیت معلم و کارورزی ، تهران ، انتشارات فاطمی ، ۱۳۷۱
- 2- Wong, F. (1970).Curriculum Evaluation in Teacher Education in S.E. ASIA. Unesco publication , PP 102-104.
- 3- Duval, C.R. (1977). Follow-up study of 1967-72 graduates of India University as South Bend. Research In Education. (ERIC)
- 4- Follow - up Study
- 5- De wolf , V.A. (1980). Early Career Experiences of Doctorates as a Function of Degree Field and Gender. (ERIC Document Reproduction Service No.ED 197755).
- 6- Drummond, R.J. (1977) Follow-Up of 1970-76 College of Education Graduates. (ERIC Document Reproduction Service No.ED 141306).
- 7- Mahash, V. & Saxena , A. (1983). Effect of Practic on Teaching Efficiency and Teaching Attitud of Student Teachers. Indian Education Review (1891), 109-115.
- 8- Bates, E.B.(1977). A Follow-up Study of Selected Women Attending West Texas State University from Fall 1975 through Spring 1976, (Final Report) West Texas State University. (ERIC Document Reproduction Service No.ED 146830).
- 9- Ayers. J.B. (1975). Tennessee Technological University Teacher Preparation Programs of Tennessee Technological University. (Report 75-4). (ERIC Document Reproduction Service No.ED 123210).